

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارش تحلیلی از: سروش
۲۴ فبروری ۲۰۲۲

جنایات مشترک امپریالیسم و ارتجاع طالبی در حق کشور و مردم ما

همیشه قسمت ما يك غروب تکرار است
به جاده جاده این شهر خون ما جاریست
نشسته ام که ببینم به تکه های تنم
به زخم های عمیقی، که زخم ناچار است
به فکر رفتم، اما کجاست پاهایم؟
میان سنگر شهری که زیر آوار است
تفنگ کهنه من را به کودکم بدهید
که سرزمینم پر از جنگ ارث اجبار است
"معاشران گره از زلف یار باز نشد"
کجا درین شب تاریک وقت دلدار است
طلسم خواب گرفته ست نور چشم را
خدای من! چه زمانی زمان بیداری است؟
« حسین منزوی »

تاریخ خونبار چهار دهه اخیر میهن ما با تجاوز، اشغالگری، جنگ، ستم و استثمار چند لایه و جنایات فزون از حد و بی پایان سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم اشغالگر و جلادان و مزدوران بومی "خلق و پرچی"، جهادی، تکنوکراتی، طالبی و داعشی و در فراز هائی با مقاومت، اعتراض، انزجار و ایثارگری حماسی این خلق سلحشور در برابر هیولای متفرعن استعمار امپریالیستی و ارتجاع هار بومی و بیرونی، رقم خورده است.

رویداد های این روز ها خونبار تر و مصیبت بار تر از گذشته با تکرار، از زجر و شکنجه جسمی و روحی هر هموطن بی دفاع ما اعم از مرد و زن، از طفلان معصوم با آه و ناله، با فریاد و با درد؛ از انسان کشی، از کشتارگاه، از اعدام و محاکمه صحرایی، از دره زدن در ملا عام، از فراگیر شدن و تعمیق فقر، از آوارگی اجباری، از تبعید، از شکنجه، از حیوان صفتی، از وحشت و بربریت جلادان و فاشیست های طالبانی حکایت دارد. وحشتی که آفریندگانش از گوشت و خون آدمیان، از کشتن و ویران کردن، هراسی نداشته و به دستور مراجع امپریالیستی و ارتجاعی بیرونی



چنگیزوار سر ها
را از تن جدا می
کنند. طالبان بدون
وقفه تن ملتی را
تکه و پاره و با
وحشت و بربریت
به دار می آویزند.
به راه انداختن
هدفمند موج ترور
و کشتار

سیستماتیک، سنگسار، شکنجه دختران، پسران و نوجوانان؛ کشتن چراغ علم و معرفت، مسدود نگه داشتن دروازه های مکاتب و مراکز علمی و فرهنگی، ایجاد فضای اختناق به رسانه های غیردولتی و حاکم ساختن فضای ارباب و ترور و کشتن آزادی بیان نیم بند، سرکوب معترضان و ربودن و شلاق زدن دختران و نوجوانان معترض در نیمه شب ها خلاف ارزش های پسندیده اجتماعی جامعه ما و نشر ویدئوی جعلی از به اصطلاح "اعتراف" دختران زندانی و...، خلق ستمدیده و سوگوار ما را بر گلیم غم و ماتم نشانده است.



در هفته ای که
گذشت، جلادان
طالبان در بدخشان
یک دختر و یک
پسر را به جرم
دوست داشتن
یکدیگر در دادگاه
صحرايي شان
سنگسار کردند؛ در
هرات سه مرد را به

دار آویختند. قرار اظهارات مردم محل و اقارب به دارآویختگان در هرات در روز های اخیر، طالبان برای هر فردی که مخالف شان بوده است، بهانه واهی تراشیده و با این دوسیه سازی جنایتکارانه، وی را بی گناه به دار آویخته اند.



شلاق به دستان و
جلادان طالب در
اورزگان جوانی را
به جرم تثبیت نشده
"زنا" در محکمه
صحرائی بدون
محاکمه قضائی، به
دستور ملای طالب
به دره خوردن در
ملاً عام محکوم کرده

و حکم غیرمدنی و وحشیانه بالایش اجراء شد.

این بار مردم پابرهنه، فقیر، مظلوم و زحمتکش ما نه تنها قربانی دسائس پلید شیادان و عُمال جلاد پیشه طالبی امپریالیسم امریکا و ارتجاع پاکستانی می شوند، بلکه مجدداً خانه و کاشانه شان را به اجبار ترک و به کشور های همسایه آواره و سرگردان شده اند؛ تمام هست و بود شان به خاک یکسان می شود؛ ولی مزدوران ارگ نشینان فراری که پیوند ناگسستنی با پلید ترین جلادان و آدم کشان طالبی دارند، بی شرمانه با دید و بازدید ها، رقاصه گری ها و با شب خیمه بازی ها خلق ما را به تمسخر می گیرند. این مزدوران و خیانتکاران فراری باز هوای چپاول و تاراج را در سر پرورانده و با رفت و آمد ها و اعلام آمادگی ها برای قرار گرفتن در کنار خودفروختگان و جنایتکاران طالبی و خدمت مجدد به اهداف استعماری امپریالیسم و ارتجاع حامی مزدوران طالب، کمر بسته اند. این دار و دسته ستمگر و مزدور آزموده شده در صدد اند تا ملک و ملت افغانستان را دست به دست کرده و با برادران تنی طالبانی شان مردم افغانستان را گروگان گرفته، پنهان و آشکارا به وطن فروشی و به معامله گری به استخبارات دول مرتجع و فزونخواه منطقه و امپریالیسم طماع خم و راست می شوند. چند روز قبل، همه شاهد برگشت "سلام رحیمی" مهره کارکشته سازمان جاسوسی "سیا"ی امریکا و جاسوس معلوم الحال "آی اس آی"، در ارگ طالبی بودیم. در حالی که مردم در خون شط می زنند، شرف باختگان نظام غنی فراری با حضور پلید خود از طریق وسایل ارتباط جمعی و تلویزیون های داخلی، این منابع اطلاع رسانی قاتلان و جاسوسخانه غریبی به چشم ملت مظلوم ما با سخنانی که خود شان به آن باور ندارند، "حاکمیت دار و تازیانه" دژخیمان اجیر طالبی را مهر تأیید زده و نمک پاشیدن به زخم های خلق مظلوم را تازه کرده و گویا به زعم خود مردم را دلداری داده و آنها را به "خویششن داری" دعوت می کنند.

مردم خوب می دانند که در نیمه شب ها ده ها دختر و نوجوان را از خانه شان ربوده و پس از انتقال به مخفیگاه ها و زندان هائی که به رسم اربابان امریکائی شان، در خانه های فراریان ارگ نشین در کابل و ولایت های بزرگ ایجاد کرده اند، همه روزه در این زندان های غیررسمی به شکنجه، آزار جنسی و لت و کوب و دار و شکستن غرور، شخصیت و اراده رزمجویانه و مقاومتگرانه فرزندان عذاب دیده ما که صدای حق طالبانه شان را بلند کرده اند، می پردازند.

طی بیست سال اشغالگری، جنگ و کشتار در کشور ما، سرمداران و یاهو سرایان غرب با جمع کردن مزدوران معاش خور در ساختار های پوشالی و مزدور به اصطلاح مدنی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی، شعار های دروغین "دموکراسی"، "حقوق بشر"، "حقوق زنان" و "آزادی بیان" استعماری را به خورد مردم ناآگاه، فریب خوردگان و

ابلهان و سفیهان تسلیم طلب دادند. در حالی که نود درصد مردم ستمکش ما از آزادی و حقوق حقّ انسانی محروم بودند، پوشالیان خودفروخته دول قبیله‌ای به شمول کرزی، اشرف بی شرف و عبدالله خوش خرام و مزدوران افراتی از جنس اسماعیل یون و لطیف پدرام بر حکم ارباب شان تضاد های قومی، زبانی، مذهبی و هزار و یک مصیبت را با جنگ های زرگری بین خود ها، بین اقوام و با برادران و همتایان طالب شان به راه انداخته و مردم ما را قربانی اهداف شوم اربابان شان کردند.

پس از شکست و رسوائی امپریالیسم اشغالگر امریکا - ناتو و در آستانه و سرآغاز سناریوی جاری طالبی، دیدیم که حتی بدون يك زخمی از این دزدان و معامله گران وطن فروش که از وطن گریختند، نه از ارگ نشینان فراری و نه هم از اجیران فاشیست طالبی با حکم ارباب شان ارگ را تخلیه و برای مدتی به برادران طالبی خود سپردند و خود و مزدوران تسلیم طلب "مدنی" و "سیاسی کار" شان با کیسه های مملو از پول های دزدی شان، به ممالک غربی و نزد شیوخ مرتجع و عیاش عربی پناه برده و به عیش و نوش پرداختند. این خیانت کاران فراری مردم بی نوا و تهیدست ما را که در حال جان کندن بوده اند، مجدداً به اسارت "آی اس آی" پاکستان و در معرض توحش و انتقام گرگان درنده طالبی قرار دادند. مردمی که از ترس جلادان طالب و از فقر و گرسنگی خانه شان را ترک کرده اند و در روی سرک و در زیر خیمه ها با هوای سرد زیر صفر درجه زندگی می کنند؛ با چنین اوضاع و احوال، مردمی که در داغ فرزندان، در تکه پاره های تن طفلانش، در غم و ماتم یتیمانش و در آه و ناله بیوه زنانش، در فریاد جگر سوختگان، مادران و پدرانش می سوزد و خانه و کاشانه خود را جز يك ماتمسرا، ماتمکده و عزاخانه و تل خاکی به صورت متداوم سراغ ندارد، و هیچ رستمی، آرشی، جمشیدی، ملالی، مجیدی، پویانی، نیزیکی، انیسی، لهیبی، رستاخیزی و... فعلاً به دانش نمی رسد، سرنوشتش به کجا خواهد کشید؟

با آن که طی همین چند سال صد ها قهرمان و نترس جان های شیرین خود را به خاطر آزادی و رفاه محرومان فدا کردند، ولی از آن جا که دشمنان متعدد مداخله گر و متجاوز خارجی و نوکران بومی شان نه شامل یک نیرو، بلکه ترکیبی از امپریالیسم و ارتجاع جهانی با تمام امکانات و قوای شان، از خلق ما هر روز به عناوین مختلفی قربانی می گرفته اند و جنگ های ارتجاعی و غیر عادلانه تجاوزکارانه، نیابتی و جنگ قدرت را به راه انداخته اند؛ این جان نثاری های خلق و فرزندان جانباز و پیشتاز آن، تا کنون به آزادی و رفاه مظلومان و محرومان کشور منجر نشده است.

لذا با از دست دادن هست بود شان، فرزندان شان، مادران و پدران شان چشم امید شان به سوی آن سرافرازان و مبارزانی است که ملک و ملت را به آزادی و خلق ستمکش را به سروری می رسانند. با این حال و به رغم این جذر نهضت انقلابی کشور، هستند درفشدارانی که در سنگر های داغ در میدان نبرد با آزاده زنان و مردان همسنگر خود، با قهرمانان نترس يك جا به دفاع از مردم بی دفاع به پا خاسته، با قلم شان، با قدم شان با تفکر و اندیشه رهائیبخش شان، برای آزادی ملی و اجتماعی و ترقی و آبادانی وطن با رشادت و استواری تمام مبارزه می کنند؛ با قامت استوار و با اراده پولادین به ضد بیگانگان متجاوز و استبداد خشن نظام طبقاتی ارتجاع خونریز حاکم طالبی قد علم کرده و در تداوم آن نیز، علی رغم قربانی ها و نبود هیچ گونه توازن قواء، هیچ گاه تن به تسلیم، رضا، ذلت و عزلت گزینی نداده اند.

این خیل وارثان پیشگامان و جانبازان انقلابی کشور، با استفاده از تجارب مثبت و منفی گذشته، تا توانستند و می توانند، به شیوه های مقتضی و اصولی از پایگاه اندیشه و قلم خویش دفاع کرده و همه روزه فریاد مظلومانه مردم خود را به خلق های جهان می رسانند و با همین پایداری و ایمان و تصمیم و مبارزه، راه مبارزه جانبازانی را که برای آزادی و استقلال، نجات و بهروزی خلق خود از جان خود مایه گذاشته بودند، بی تزلزل ادامه خواهند داد. آری، سنگرداران و

ادامه دهندگان مبارزات قهرمانانه جانبازان سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما) چون سدی در مقابل ارتجاع، انحراف و امپریالیسم - که می خواهد همه ارزش ها را از خلق رنجیده و عذاب کشید و مبارزان انقلابی و آزادیخواه ما به یغما برده، بی اعتبار سازد و باد فنا دهد - ایستاده و تا پای جان خواهند ایستاد.

در این خصوص، باید افزود که بی توجه به یأس و نمیشه مسخ شدگان و چوبین پائی نیمه راهان و خیانت و سجود تسلیم طالبان و سنگ اندازی، مانع تراشی و سبوتاز انقیاد طلبانه و ضد انقلابی مسخ شدگان و تسلیم شدگان به استعمار - ارتجاع؛ مطابق به منطق تاریخ، ستم به مبارزه میدان داده و مقاومت را در پی می آورد و بر این زمینه، فروش و سرود رزم پیام آوران در جامعه ستمزده و تحت ستم مضاعف ما پژواک خود را داشته و گوش های شنوای زیادی خواهد یافت.

اما هستند در این میان عده ای فرصت طلب که به پای خوکان خم شده اند و با چشمانی کور و زبان لال با مترسک ها و رقاصه های امپریالیسم يك جا به یاهو گویی پرداخته بودند و در انتظار نواله و حواله بوده اند و در گوشه های خوان یغمای امپریالیستی - ارتجاعی به ریزه خواری مشغول بودند. این روبهان مکار امروز سر از لانه ها و جاسوسخانه های غربی برآورده و فرار را بر قرار ترجیح داده اند. عده ای نیز تمام دلاوری ها، جان فدائی ها، رشادت ها، عیاری ها، تعهد در پیشگاه خلق، خدمت به خلق، حب وطن و خلوص و صداقت با ملت و مردم خود را یکسره به طاق نسیان گذاشته، کر و کنگ و لال در خانه های مرفه خزیده اند و از هیچ دردی، غمی و ماتمی رنج نمی برند و در قبال ستم طالب هم بی خبر و بی تفاوت اند. عده ای به رسم تفنن سر می جنبانند و هر از گاهی نامی، یادی، سخنی، کلامی، نقل قولی، چرند و پرندی تحویل باد می دهند.

و اما رهروان جدی، مصمم و راستین راه آزادی، راه مجید، "رهبر"، سرمد، شریف، جرأت، تیمور، میرویس، بهرنگی، رستاخیز، نيزك، بهمن، احمد، مینا، لهیپ و... با آن عده از مبارزان آگاه انقلابی و آزادیخواه، چه از "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان" (ساما) و چه سازمان های انقلابی و مردمی دیگر، سوگند یاد می کنند که تا نابودی نهائی ارتجاع، استعمار، ستم و بهره کشی و آوردن رهائی ملی به ملت سلحشور و رهائی و ترقی اجتماعی به خلق زحمتکش تحت ستم و استثمار کشور، سلاح رزم خود را به زمین نخواهند گذاشت.

در این میان سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) معتقد است که نجات میهن و رفع ستم از زنان و مردان ستمکش و بی حقوق خواست مبرم خلق سراسر کشور و هدف مشترک تمام نیرو ها و عناصر صدیق، میهن پرست، دموکراتیک و انقلابی است. با این چشم انداز، رزمندگان و عقابان مغرور و بلند پرواز سامای انقلابی که هرگز به پستی ها عادت نکرده و نمی کنند، در اوج قله ها پرواز می کنند و با امپریالیسم، ارتجاع، سازش و تسلیم طلبی در هر شمائلی، در پیکار اند.

فقط مبارزاتی متشکل، آگاهانه و متحدانه جمیع خلق زحمتکش و ظرفیت های مبارز آن، از مسیر صعب العبور و طولانی قادر خواهد بود که سلطه و موجودیت ارتجاع و امپریالیسم در کشور را، به تاریخ سپرده و به جای آن یک افغانستان واحد آزاد، دموکراتیک و مترقی اعمار کنند. همه راه های دیگر به سقط، شکست، سرخوردگی و سازش منتهی می شود و پتانسیل مبارزاتی خلق کشور را به هدر می دهد.

مرگ و نفرین بر جنایتکاران طالبی و کلیت ارتجاع!

مرگ بر امپریالیست های خونخوار و شاید امریکا و شرکاء!